

اعلان دولتی

از طرف ایالت دارالخلافه

چون برای تعرفه و شناختن کوجه و خیابان و خانه‌ها ترتیب نمره بوضع صحیحی از سابق داده شده بود، و به واسطه بی ترتیبی امورات همین‌طور ناقص مانده، در این موقع بر حسب امر قدر قدر جهان مطاع بندگان اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت اقدس شاهنشاهی ارواحنا فداء مقرر است که باقی نمره درب خانه‌ها به ترتیب سابق نصب و موافق قرار داد از هر خانه يك قران جهت قیمت کاشی و مخارج مأمورین این کار و غیره دریافت گردد، و علی هذا بر حسب امر مقدس جهان مطاع ملوکانه ارواحنا فداء از طرف حکومت جلیله دارالخلافه مأمورین موافق احکام صادره برای ترتیب این کار معین و مشغول نصب نمره خانه‌ها هستند به عموم اهالی دارالخلافه حسب المقرر اعلان می‌شود که از این تاریخ به بعد اگر کسی کاشی نمره درب خانه‌ها و کاشی سر خیابان‌ها و کوجه‌ها را بشکند و حرکات و حشیانه نماید، [توسط] همان مأمورین دستگیر و در اداره حکومتی مجازات و تنبیه خواهد شد. و هر کس هم در پرداخت قیمت نمره امتناع ورزد و یا نسبت به مأمورین این خدمت بی‌احترامی کند، مورد مؤاخذه و سیاست خواهد بود. قیمت نمره از قرار بلیط چاپی حکومتی خواهد بود. هر کس بدون بلیط مطالبه قیمت نمره نمود، جواب دهند.

۱۴ شهر رمضان المبارک ۱۳۲۶ (مؤیدالدوله)

پس از انتشار این اعلان از طرف مؤیدالدوله حاکم طهران، بعضی از آدم‌های سپهسالار را دیدند که نمره‌های کاشی را می‌شکستند.

روز یکشنبه ۱۵ رمضان ۱۳۲۶ - سبصد نفر قزاق پیاده و سوار که گویا تازه قزاق شده بودند، از میان شهر با موزیک به طرف آذربایجان حرکت می‌کردند دیگر ندانستیم از جهت جنگ با مسلمانان بی میل بودند به رفتن و یا از جهت سرما و عدم تهیه اسباب سفر و یا از ترس اهالی آذربایجان بود که گریه می‌کردند به هر جهت بی میلی ایشان مشهود بود و از قرار مذکور بیست و پنج نفر از قزاق استغفا داده از نوکری دست برداشتند روز دوشنبه ۱۶ رمضان [۱۳۲۶] - شاهزاده فرمانفرما وارد شد کسی را راه نمی‌دهد به خود که از او دیدن نمایند و با کسی مراوده نمی‌کند علی‌المذکور تمام نشان‌های دولتی و نظامی را از او گرفتند و نیز مذکور شد آدم‌ها و نوکرهایش را نیز گرفتند که در بین مردم بعضی مذاکرات را نمایند.

روز سه‌شنبه و چهارشنبه از خانه خارج نشده، مطلب مهمی نیز مسموع نگردید.

روز پنجشنبه ۱۹ رمضان المبارک [۱۳۲۶] - از خانه رفتن بیرون، مسموع گردید

که فرمانفرما متقبل شده است با ده هزار نفر اردو برود تبریز و با تبریزیان جنگ کند، علی‌المذکور پنج استخاره کرده اند که ارشادالدوله سردار ارشد و وزیر نظام و سردار کل و فرمانفرما را بفرستند استخاره در مورد فرمانفرما مساعدت کرده است ، لذا فرمانفرما متقبل گردیده است که برود چند شبنامه و اعلان هم دست آوردیم که متوالیاً درج می‌نمائیم .

شبنامه زلاتین

که با مرکب قرمز طبع شده است

الم ترکیف فعل ربك باصحاب الغیل، الم يجعل کیدهم فی تضلیل و ارسل علیهم طیراً ابابیل .

نماند ستم کار بد روزگار بماند بر او لعنت پایدار

از روزگار مستبدین عبرت بگیرید. آخر نفس بکشید. حالا هم اسیر دست پلیس هستید ببینید آنهایی که نقض عهد کردند و با ودیعه الهی ستم شدادی کردند، ذریه صدیقه طاهره را برخی با قرآن هدف گلوله کردند و توپ به مسجد مسلمین بستند و برخی از کبار آل رسول را با زنجیر و لگد و سیلی حبس و تبعید شهر به شهر دیار به دیار بردند ، اسرا را گروهی مقتول ، جمعی اداره و محبس ، کثیری از خرد سالان مسلمانان در حبس اراذلها دست بی‌ناموسی شب و روز به آنها دراز می‌کردند . قریب سی و شش خانه مسلمین را یغما نمودند و زیرجامه عورات مسلمین را سر نیزه‌ها کردند و حکومت مسلمین را به نصاری دادند در هیچ عهدی هیچ فاسقی و جابری این طور به زیر دست خود نکرده‌اند. آخر واقعه کربلا را دیدید غیرت اسلامی‌تان مبدل به ذلت یهودی شد، باکمال خفت و بی‌شرفی از زن‌کمترها ساکت و به خواب مرگ رفتید. تن به بی‌غیرتی از یهودی پست‌تر دادید در مقابل قوم ابرهه خود داری نکردید قرآن را هدف گلوله با سیدهاشمی در خون غوطه‌ور دیدید تمام را ملاحظه کردید ، قدرت دم زدن در خود ندیدید (۱) حالا بیائید مشاهده انتقام الهی و مکافات منتقم حقیقی بکنید که بزرگواران اسلام در عتبات عرش درجات خونا به دل خوردند و دقیقه [ای] آسوده نشستند تا بر عالم و عالمیان جمیع ملل و دول روی زمین مظلومیت دین و آئین و عصمت اسلام و مملکت و اهالی مفلوک و شهداء مظلوم و امراء محبوس و حقوق منسوب شماها را ثابت و مسلم داشتند ای تصدق آن ذوات مقدسه که این قدر پول و جایزه‌ها از اینجا فرستادند که ساکت باشند فریفته نشدند ، تا به اتفاق عموم مسلمین در تمام بلاد به جمیع پارلمان‌های عالم حقوق پامال شده ماها را مدلل و ثابت نمودند بطوری که جمیع دول به توسط دولت انگلیس و

پروتست سخت کردند که باید تمام حقوق مفصوبه (۱) اهالی مظلوم ایران مسترد شود و الا از این طرف برادران جانباز آذربایجانی هزارها فدای حقوق مفصوبه (۱) شدند تا به قوت اتحاد و توجه حضرت حجت و نظر انتقام حضرت احدیت دمار از روزگار ظالمین حقوق انسانی بر آورند، مدت چهار ماه و نیم جانها بر کف سمندروار در آتش استبدادیان سوختند، دست برداشتند تا قوم عاد و ثمود را و کجراد منتشر هبَاء منثوراء نمودند عورات آذربایجان قطار فشنک می بستند با حالت محزونی بچه خود را شیر می دهند مانند نره شیران در میدان جنگ می کوشند که دست بی ناموسی به او دراز نشود ولی مردان (۲) ما گویا همان اشخاصی بودند که مقتول و محبوس شدند، [وگرنه این زندگان] در بستر راحت مانند پردگیان به خواب بی غیرتی رفته اند و خیال می کنند که [با] تلف شدن جوانان غیور آذربایجان و پامال شدن ابدان کشتگان مسلمانان، با استبدادیان هم آغوش و هم پیاله و هم شرب خواهند بود اما نمی دانید که بعد از اینکه اولیای حق که در عتبات عرش درجات جهاد اکبر می نمایند و حقوق ما اهالی بی چاره را در اقطار و اطراف و اکناف عالم ثابت فرمودند، دیگر راه عذری باقی نیست و چاره دردی که بی مستی و میکرو بند (۳) او را از کام شماها و استبدادیان دفع می دهیم (۳) اینست که بی غیرتی و بی شرفی شماها در عدم همراهی در احقاق حقوق ما را مجبور نموده که بستر گرم شما را لگد کوب سم اسب اجانب نمایم دیگر قوه صبر در ماها نمانده به قوت ناریه اگر دستمان به شماها یعنی رؤسای کفره استبدادیان نرسد اعضاء سفارتخانهها را محروق می سازیم تا خاتمه خواب غفلت و همدست با کفره استبداد بودتان شما را بیدار کند. در يك موقع آماده این کار بودیم آن وقتی بود که خدای نخواستہ اگر جندالله آذربایجان مغلوب می شدند، الحمدلله که این قدر فدائی شماها دادند تا فاتح و فایق آمدند اما به اندازه ای بی حمیتی شما اهالی طهران ملت ایران را بدنام کرده که هیچ چاره غیر از این نیست که یکسره خواهیم کرد. ای بر باد دهنده ناموس اسلام ای ضایع کنندگان حقوق نوع بشر، ای بی شرفان از زن کمتر بلکه از سگ کمتر که به مقتدائی شیخ ناری و سایرین خود را مسلمان می شمارید و حیلتها و نیرنگها به کار بردید که استبداد را بر ناموس ما ملت مظلوم غالب کردید، آنها که به جزای دنیائی خود رسیدند، آخر کوساله پرستان و خردجال صفتان (۴) از شماها ننگ و عار دارند (۵). تا کی به خواب مرگ رفته اید دیگر آنچه از دست یزید صفتان

۱- دراصل ، مقصوبه ۲- دراصل ، مردمان ؟ ۳- کذا ۴- دراصل ، صنعتستان ؟ شاید هم ، صنعتان ؟ ۵- دراصل ، دارد

برمی آمد با شریح قاضی و سایرین بر سر عصمت اسلام و حقوق بشری ما اهالی آوردید آخر این فکر را نکردید که همه ایرانی زن صفت دجال پرست مثل شماها نیست، ناچار جواب وجدان خود را داده و می دهیم ما اشخاص که پیرو خدا و رسول خدا و رعایت قانون محمد بن عبدالله (ص) را با حرمت [و] بزرگان و کبار دین و آئین را از جان خود عزیزتر می داریم در تمام نقاط مملکت به يك عقیده ثابت منتظریم که اگر امور مملکت بر محور مشروطه و قانون خاتم الانبیاء جاری نشود و از عدم حقوق شناسی شماها حقوق این آب و خاک به چنگال استبداد پوسیده بماند ، فوراً در هر نقطه مملکت به رجاال خارجه دست خون ریزی دراز کنیم، تا حدی (۱) خونابه دل از شما و اخلاف شماها بر آورده باشیم .

اعلان دیگر که با ژلاتین طبع شده است

آنان که به صد زبان سخن می گفتند آیا چه شنیدند که خاموش شدند ؟
هان ای اهالی طهران در حیرتیم شما را چه شد که یکباره چشم از مادر مهربان وطن پوشیده و در سرداب غفلت غنودید؟ و خود را در نزد اهل عالم و تمام ملل و امم به بی غیرتی و سست عنصری و بی ناموسی معرفی کردید و لکه عاری بر روی خود گذاردید که [با] هیچ آبی شسته بلکه ابدالدهر سترده نخواهد شد؟ بیائید قدری به خود آید از سکر باده غفلت به هوش آمده و چشمها را بمالید و بر این خطرات و بلیاتی که چون سیل بنیان کن بر وطن عزیز شما روی آورده و نزدیک است قومیت و ملیت شما را یکباره معدوم و مضمحل نموده و حیات (۲) پلتیکی این مملکت را خاتمه دهد، متوجه شده به روزگار سیاه خود بگریید چه شد آن نطق های مهیج ؟ کجا رفت آن جوش [و] خروشها که در مجامع و محافل اظهار می نمودید؟ آیا آن حرارتها دروغی بود؟ مگر آن... (۳) تمام مصنوعی بود ، که از يك صدای توپ خاموش شدید و از يك حمله عرقوبی چهار نفر قزاق چنان سر از پا گم کرده عاشقی و مستی را فراموش نموده مثل زنهای هیز در کنج خانه ها فرار کردید!!! (۴) ای تف بر این غیرت !!! (۴) وای لعنت بر این بی حمیتی و بی ناموسی . بی چاره ملت آذربایجان و مجاهدین غیور تبریز که چهار ماه است دست از همه چیز خود شسته جانهای عزیز خود را سپر گلوله های آتشین نموده سنگ شما بی غیرت مردم را به سینه می زنند و در راه آسایش شما بی شرف مردم جان می دهند . انصاف را هیچ فکرمی کنید که این اردوهای پی در پی و قورخانه و سوار و پیاده و عشایر و عساکری که در این مدت

۱- کذا ؟ ۲- دراصل ، حیوات ؟ ۳- يك کلمه ناخوانا ، شاید ،

دثیری ها ؟ ۴- این علامت ها در اصل خطی هست

به آن طرف سوق شده و می شود برای چیست؟ و این خون های گران بها که صفحه آن خاک غیرت خیز را لاله گون نموده به گردن کیست؟ آیا می دانید که در این چهار ماهه بر آن جوا [نا]ن غیور چه گذشته؟ هیچ تصور می کنید که به آن زن های برادر و شوهر مرده و اطفال پدر کشته چه می گذرد؟ این را می دانید که اگر خدای نخواستہ این دیوان آدم صورت و دشمنان عالم انسانیت کاملاً به مقاصد خبیثه خود نایل و کامیاب شوند، حال شما چگونه خواهد بود و با شما بی غیرت مردم چه خواهند کرد؟ و الله هر صد نفر از شما بی ناموس ها را يك قزاق یا يك ژاندارم وافوری جلو انداخته به يك چوب خواهد راند. خواهید گفت از يك مشت مردم متشت بی قاید و رئیس که در تحت فشار ظلم و استبداد قدرت نفس کشیدن ندارند چه بر می آید؟ ! لکن چنین نیست هر وقت سر از بالش غفلت برداشته و به فکر عواقب امور و جلوگیری از ذلت و بدبختی خود افتادید به مفاد والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبلناء راه چاره را هم خواهید جست .

اعلان دیگر

دستخطی است که حجج اسلام عتبات به انجمن ایرانیان اسلامبول مخابره فرموده اند که از آنجا به تمام دربارها و پارلمانها مخابره شود

۲۴ شعبان

علیه عموم ایرانیان به موجب تظلمات واصله از ایران آحاد ملت معدلتخواه و مشروطیت (۱) در صدد برآمده که [برای] رفع ید از حقوق ملیه و ابطال مشروطیت رسمیه، از بعضی افراد ملت مظلومه بالمجبوریت سند بگیرند و جماعتی را با کمال شدت بر این امر گماشته اند لهذا بر این خدام شرع که رؤسای [دینی] ملت ایران و قاطبه جعفری مذهب هستیم، لازم است که مجبوریت و مظلومیت ملت ایران را به جمیع دول معظمه و پارلمانهای محترمه تظلماً اعلام و احقاق حقوق آن ملت مظلوم را از تمام اعضاء عالم تمدن و انسانیت بخواهیم . برحسب این تلگراف آن برادران محترم را زحمت می دهیم که ان شاء الله شرح تظلم را بطوری که باید به دولت علیه عثمانی و مجلس سلاتیک و به جمیع دول معظمه و پارلمانهای محترمه و اعضاء عالم انسانیت برسانید و چگونگی را اعلام نمائید (رؤسای مذهب جعفری علمای نجف اشرف محمد حسین طهرانی - محمد کاظم خراسانی - عبدالله مازندرانی)

روز یکشنبه ۲۴ رمضان ۱۳۲۶ - امروز را از خانه بیرون رفتن چند مطلب شنیدیم

یکی آنکه دولت در تهیه اردو می باشد که به ریاست فرمانفرما به آذربایجان روانه نماید فرمانفرما هم چند شرط کرده است اول آنکه سیصد هزار تومان پول نقد بدهند، دوم آنکه دوازده هزار سواره و پیاده که از حیث لباس تمام و کمال باشند که دیگر معطلی و نقصی نداشته باشند، سوم آنکه بانک قبول کند ماهی پنجاه هزار تومان حواله بدهد به این شرایط می رود. مطلب دیگر آنکه در بروجرد شورش و اغتشاش برپا شده است حاکم را بیرون کرده اند.

دیگر آنکه در مشهد مقدس جمعی را گرفته اند و به کلات فرستاده اند از آنجمله میرزاهمدی عمادالمحدثین پسر میرزایحیی طباطبائی که در عداد واعظین و اهل منبر بوده است به این جهت مردم شورش کرده اند. بعضی می گویند رکن الدوله حاکم مشهد را نیز کشته اند.

امروز با حاج جلال الممالک رفقیم در مسجدشاه گردش می کردیم يك دفعه معز نظام جلو حاج جلال الممالک را گرفته که هزار تومان از تو طلب دارم بده از این جا برو. آنچه او را نصیحت کردیم و گفتیم شهر شاه دارد، حاکم دارد، عدلیه دارد، دو نفر محترم اینگونه سلوک با هم مناسبت ندارد، نشنید به قدر پنجاه نفر صاحب منصب و قزاق هم جمع شده همگی حمایت معز نظام را می کردند معلوم بود از پیش مقدمات را ترتیب داده بودند. بنده نگارنده مانده بودم فکری که این چه وضعی است در این اثناء آقا سید ابوالقاسم را دیدم، او را صدا زدم آمد آنچه کرد جز تکیه و تشدد چیزی نشنید در این اثناء آقا سید ابوالقاسم رفت در صحن مسجد و دو نفر آخوند یکی شیخ عبدالمجید و دیگری شیخ ابوالقاسم شیرازی که هر دو جوان بودند با خود آوردند جلال الممالک را برداشته که بروند، معز نظام و یاورانش مانع شدند يك دفعه این سه نفر که از غیب برای نجات جلال الممالک رسیده با اینکه بدون حربه و سلاح بودند مشتها را کشیده به اندک زمانی پنجاه نفر یاوران معز نظام با هزار نفر تماشاچی رو به فرار گذارده، معز نظام هم کتک مصفائی خورده، حاج جلال الممالک را بردند به مدرسه شیخ عبدالحسین سدیدالملک برادر سردار ارشد را ملاقات کرده با حاج جلال رفتند باغ شاه سردار ارشد را ملاقات نموده دو نفر اردال مأمور شدند که معز نظام را حاضر کنند برای چه شخص محترمی را اینگونه مقتضح و رسوا کردند. این بود اتفاق امروز با اینکه ارباب عمایم ذلیل و خوار می باشند باز تا يك اندازه کار می کنند، در چنین وقتی به فریاد مظلوم رسیدند.

[روز] دوشنبه ۲۳ [رمضان ۱۳۳۶] - امروز در بازار نزاعی بین شخصی خرازی فروش و یکی از قزاقها واقع گردید فوراً مردم بازارها را بستند، لکن بعد از يك ساعت که قزاق و ژاندارم آمد باز بازارها را مفتوح نموده و مردم را ساکت نمودند. از قرار مذکور میرزا ابوالقاسم برادر معز نظام از تبریز آمده است و مذکور داشت

در چندی قبل که بین اردوی دولت و تبریزیها نزاع در گرفته بقدر سی هزار نفر اردوی دولت يك دفعه حمله آوردند به شهر و وارد شهر هم شدند جمعی را نیز هدف گلوله نمودند، يك دفعه مردم از خانهها بیرون آمده از سنگرها هم شروع در انداختن توپ کردند و به اندک زمانی اردوی دولتی رو به فرار نمودند آنهایی که دست آمده اسلحه خود را تسلیم نمودند و از قرار مذکور تفنگ ته پر پنج تیره دانه‌ای دو تومان به فروش می‌رسد.

مسموع افتاد که شخصی از وزراء چند روز قبل وارد بر امیر بهادر شده بود که سر خود را برهنه نموده و دست به دعا برداشته نفرین می‌کرده است به اهل تبریز، آن شخص وارد می‌گوید چاره‌ای کنید، علاجی کنید، مملکت از دست رفت. در جواب می‌گوید: من خجالت می‌کشم به شاه چیزی بگویم خودتان بروید با شاه گفت و گو کنید. من دیگر جز توسل به حضرت عباس (ع) چاره ندارم. باری از قرار مذکور دولت خیلی مستأصل شده است و پولی حواله دادند که از مردم اعانه بگیرند.

مساجد این ماه مبارک جز حرف بچه واعظ دیگر حرفی ندارند. يك طفل شش‌هفت ساله را دست آوردند که می‌رود بالای منبر و مردم را موعظه می‌کند و مشهور است که این طفل پنج سال دارد ولی احتمال دارد که ده دوازده سال سن او باشد و کوچک به نظر می‌آید مردم در باره او غلو کرده‌اند و حرف‌ها می‌زنند.

صورت تلگراف اعلیحضرت همایونی به علماء اعلام نجف

جنابان حجج ثلاثه اسلام سلیمهم الله تعالی، تلگراف آن جنابان به توسط وزیر اعظم از ملاحظه ما گذشت و زائد الوصف موجب حیرت و تعجب از اندازه اطلاعات آن جنابان شد که هنوز استحضار ایشان با مفاسد خیالات دشمنان دین و دولت تصادف نکرده است، با آنکه طبقات اهل ایران از علماء ربانیین که حقیقه پاسبانان اسلام و مسلمین می‌باشند، با سلسله تجار و اصناف و سکنه قرا و ایلات صحراگرد و بیابان‌نورد عموماً از این وضع مستحدث مضمّن و از لفظ مشروطه متنفر شدند و به رأی العین دیدند که مجاری این عنوان نوظهور برخلاف مذهب جمعری و عقاید و قواعد شیعه اثنی‌عشری است و سیره ما را در مساعداتی که می‌کردیم مورد اعتراض قرار داده آن قدر عرایض تظلم و شکوی به توسط تلگراف و پست از اطراف ممالک محروسه به دربار وصول بخشید که فی الحقیقه دیدیم ایران ضجه واحده شده است حضرت مالک الملوك جل شأنه وعظم سلطانه چون [به] مشیت خاصه خود ما را (۲) بر اریکه سلطنت موروث پدران تاجدار انارالله برهانیم اختصاص بخشیده و سعادت سی‌گروور شیعیان امیرالزمنین (ع) را از ما خواسته

است، اگر ما در اجرای آنچه خیر و مصلحت دین و دنیای آن ودایع الهیه است، غفلت نمائیم، البته به خدای خود خیانت کرده خواهیم بود. شهدا لله تعالی که ما بالحس والعمیان دیدیم که اگر بیش از این با بدعت مزدکی مذهبمان ایران همراهی کنیم و از اجابت روحانین مملکت و اغاثه طبقات رعیت تغافل نمائیم، عصر ما تاریخ انقراض دین و دولت هر دو خواهد بود. قسم به خاک پای مبارک شاهنشاه زمین و زمان امام عصر عجل الله فرجه که ما خودمان را به واسطه این اقدام ملوکانه در حضور صاحب شرع مستوجب اجر مجاهدین و مجدد دین می دانیم. از جمله شواهد صادقانه این مقال رشته اسناد و خطوط است که از رؤساء این فرقه فاسده منسده به دست آمده و در دستگاه جهان پناه ضبط است. بحمدالله امروز مملکت در کمال انتظام و اهالی در نهایت راحت است وجوه علماء وحجج اسلام و عموم اعیان و معارف همه روزه با برق و برید عرض دعا گوئی وتشکرات می نمایند و از برای این حیات (۱) ثانوی و عمر مستأنف بشارت می دهند، ما هم [که] به ترویج شرع و تعظیم شعائر و اجراء قوانین اسلام و ایجاد وسائد عدل عام به تمام قوای خود مشغول شده ایم سابقاً به همین نیات مقدسه بوده ایم و اگر يك نفر به موجب خط شریف مرحوم آیه الله شیرازی اعلی الله مقامه، که مضبوط است (اشاره به واقعه دخانیه و حکم مرحوم حجة الاسلام شیرازی بر مردود بودن آقا سید عبدالله است که در تاریخ خود اشاره به آن خواهیم نمود (۲)) در موقع خود را از سلسله خارج کرده و به واسطه تخطی از حدود خود و افساد در مملکت عرضه مهابت شده باشد، با مقاصد ملوکانه منافی نخواهد بود و البته هر کس هم از وظیفه خاصه خود خارج شود و از حدودی که دارد تخطی نماید، به نتایج ناگوار دچار خواهد شد، کائناً من کان. از مواهب الهیه آنکه رجال دربار قدر اقدار ما همه کافی و دین دار و اسلام پرست هستند، خصوصاً جناب وزیر اعظم که علاوه بر مملکت لازمه این مقام منبع عالم دیانت و قدس و تقوای او بر آن جنابان مکشوف است و ما به فضل الله تعالی از نیات مقدسه خودمان جداً امیدواریم که در عهد همایون ما احترام علماء ایران وعده نفوس مجتهدین و نشر علوم آل محمد سلام الله علیهم اجمعین از عهد سلاطین صفویه بگذرد واستقلال دربار دولت ایران هم به توجهات خاصه ولی عصر حجة بن الحسن عجل الله فرجه، با دول معظمه عالم برابری کند (السلطان محمد علی شاه قاجار)

روز پنجشنبه ۲۶ رمضان [۱۳۳۶] - امروز قزاق عائی که رفته بودند تبریز، یعنی

سیصد نفر قزاق که چند روز قبل روانه تبریز شده بودند، (۱) مراجعت نمودند تلگرافی هم از علماء نجف برای اعلیحضرت مخایره شده است که سواد آن را به دست آورده از قرار تفصیل ذیل است :

سواد تلگرافی است که از مقام منبع حجج اسلامیه نجف اشرف در جواب تلگراف مزورانه درباریان مخایره شده

(جناب مشیرالسلطنه این تلگراف را به شاه برسانید) اگرچه داعیان را عمر به آخر رسیده و در این میانه جز حفظ بیضه اسلام و استقلال مملکت و بقاء سلطنت شیعه و رفع ظلم و ترفیه حال عباد عرضی نداریم ولی چون هرچه از اول امر تاکنون اقدام در اصلاح و اتحاد بین دولت و ملت کردیم و راه را از چاه نمودیم و دولت را به همراهی با ملت دعوت کردیم، به هر لسان که ممکن بود مضار و مفاسد این گونه اقدامات وحشیانه را ظاهر ساختیم تا بلکه رشته این اتحاد نکسلد و امنیت در مملکت قائم گردد و این مشت شیعه از چنگال ظلم جمعی از حکام ظلام خون آشام خودپسند نجات یابند و در اصلاح مملکت یکدل و یک جهت بکوشند تا این مقدار قلیل از مملکت اسلامی برای مسلمین باقی مانده و مانند ممالک از دست رفته مسجدشان کلیسا نشود و احکام شریعت مطهره پایمال و سلاطین کفر نگر در برعکس همه را دولت به وعده های عرقوبی گذرانیده و در اظهار مساعدت و همراهی فروگذارد نکرد و باطناً به خیال خود مشغول بود با اینکه می دانستیم تمام مفاسد حادثه از تحریکات دولت و دولتیان خائن است باز محض حفظ مراتب اغماض نمودیم و از نصیح و خیرخواهی خودداری نکردیم تا آنچه را که از او حذر داشتیم واقع شد و رشته اتحاد دولت و ملت یکباره گسیخت و خائنین دین و دولت خبث باطن را ظاهر ساختند باز بر حسب وظیفه شرعیه در مقام اصلاح کوشیدیم تا بلکه این رشته گسیخته را دوباره متصل سازیم ولی هنوز مرکب تلگرافات همراهی و مساعدت دولت نخشکیده تلگرافی که تمام الفاظ بی معنی و سراپا مخالف با قواعد مسلمانی بود، رسید. حرکاتی را که تماماً جراحت قلب صاحب شرع و صدمه بر وجود مقدس حضرت حجّه آله علیه الصلوٰة والسلام است با کمال بی شرفی جهاد فی سبیل الله شمرده پیروی چنگیز را دین داری و تخریب اساس اسلام را مسلمانی و تسلیط کفار روس را برجان و مال مسلمین ترویج شریعت نام نهاده و به اغواء خائنین دین و عالم نمایان غدار با این هتاک با کمال جسارت افعال خود را مستحسن شمردند تا ما را مجبور به آنچه متحذر از اشاعه و اظهار آن بودیم نمودند. و قل هل انبئوکم بالاخرین

اعمالاً الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا آیا بر احدی از مسلمین مخفی است که از بدو سلطنت قاجاریه تاکنون چه صدمات فوق‌الطافه بر مسلمین وارد آمد؟ و چه قدر از ممالک شیعه از حسن کفایت آنان بدست کفار افتاد؟ قفقازیه و شروانات و بلاد ترکمان، بحر خزر و هرات و افغانستان و بلوچستان و بحرین و مسقط و غالب جزائر خلیج فارس و عراق عرب و ترکستان تمام از ایران مجزی شد و تمام شیعیان غالب این بلاد با کمال ذلت به دست کفار اسیر شدند و از استفاده روحانی مذاهب محروم ماندند دو ثلث تمام از ایران رفت و این یک ثلث باقی مانده را هم به انحاء مختلف زمامش را به دست اجانب دادند گاهی مبالغه گفت قرض کرده و در ممالک کفر برده خرج نمودند و مملکت شیعه را به رهن کفار دادند. گاهی به دادن امتیازات منحوسه ثروت شیعیان را به مشرکین سپردند و مسلمین را محتاج به آنها ساختند گاهی خزائن مدفوف ایران را به ثمن بخش بدشمنان دین سپردند (۱) یکصد کرور یا بیشتر خزینة سلطنت که از عهد صفویه و نادرشاه و زندیه ذخیره بیت‌المال مسلمین بود خرج فواحش فرنگیان شد و آن همه اموال مسلمین را که به یغما بردند، یک پولش را خرج اصلاح مملکت و سد باب احتیاج رعیت نمودند گرگان آدمی خوار و عالم نمایان دین بر باد ده (۲) نیز وقت را غنیمت شمرده به جان و مال مسلمین افتادند هر روز زخمی تازه به قلب منور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه زدند به حدی شیرازه مملکت و ملت را از هم گسیختند که اجانب علناً مملکت را مورد تقسیم خود قرار داده حصص برای خود مفروض نمودند و در این حال شیعیان آل محمد از باطن ائمه هدی علیهم الصلوة والسلام استمداد نموده یکباره حرکت کردند و برای حفظ این قطعه باقی مانده از مملکت اسلامی و نجات از سفاکی و استبداد قاجاریه با مال و جان حاضر شده و به معاونت و امداد حضرت حجة الله عجل الله فرجه به مطلوب خود خواهند رسید داعیان نیز بر حسب وظیفه شریعه خود و آن مسؤولیت که در پیشگاه عدل الهی به گردن گرفته ایم، تا آخرین نقطه در حفظ مملکت اسلامی و رفع ظلم خائنین از خدا بی‌خبر و تأسیس اساس شریعت مطهره و اعاده حقوق منسوبه مسلمین خودداری ننموده (۳) در تحقیق آنچه ضروری مذهب است که حکومت مسلمین در عهد غیبت حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه با جمهور؟ بوده، حتی الامکان فرو گذار نخواهیم کرد و عموم مسلمین را به تکلیف خود آگاه ساخته و خواهیم ساخت و از حضرت حجة الله ارواح العالمین